

نشست «سی صد» باز هم نشان داد سوء تفاهم‌های عالم پر آشوب موسیقی پول‌ساز ایران، پروژه می‌سازند

چطور می‌شود هنر را به سایت فروش پوشاک گره زد؟!‌



علی نامجو

روزنامه نگار

در عالم پر آشوب موسیقی پول‌ساز ایران (به تعبیر خودشان موزیک پاپ) سوء تفاهم‌ها کم نیستند؛ یکی علنا به دزدی اشعار بزرگان شعر کلاسیک و معاصر این سرزمین مشغول است و کارهایش از سوی دفتر شعر و موسیقی وزارت ارشاد هم مجوز می‌گیرد. بعد که گند کار درمی‌آید، ناگهان ماجرای سرطانش علم می‌شود تا پلی‌یک کردن‌ها و سرقت‌های ادبی و بی‌ادبی‌اش فراموش شود. دیگری روی صحنه کنسرت درباره علاقه‌اش به بستن یا نبستن کمربند حرف می‌زند و در نیمی از اجرا هم میکروفون را به سمت تماشاگران تین‌ایجرش می‌گیرد تا اقتضاج اجرایش خیلی توی ذوق نزنند. آن‌یکی در برنامه زنده صداوسیما می‌ملی می‌آید قبل از خواندن خبر از اولین تور کنسرت‌هایش هم می‌دهد اما پس از بسته شدن دهانش خیلی از بیننده‌ها دست به‌سوی آسمان می‌برند که خداوند، به دل‌های خسته‌شان لطفی کند و جلوی برگزاری این تور گوش‌خراش را بگیرد. این وضع، تصویر قالب موسیقی پاپ این سرزمین است. نشست رسانه‌ای کنسرت نمایش «سی‌صد» چهارشنبه هفته گذشته با حضور اهالی رسانه و برخی از دست‌اندرکاران این پروژه در فضای باز مجموعه فرهنگی تاریخی «سعدآباد» تهران برگزار شد. این نشست رسانه‌ای بنا بود میجالی باشد تا عامل پروژه، به تشریح برنامه این پروژه موسیقایی – نمایشی بپردازد. سهراب پورناظری در ابتدای این نشست رسانه‌ای با ایراز همدردی با مردم آبادان به جهت از دست دادن تعدادی از هم‌وطنانمان در حادثه ساختمان متروپل این شهر به پروژه‌های مختلف موسیقایی خود اشاره کرد و گفت: مدت زیادی است تمام فعالیت‌های خود را معطوف به کشور ایران کرده‌ام که بخوام در این عصر مفلشوش اطلاعات، پسادآوری کنیم به مجموعه‌های مختلف که زبان فارسی، ایران و فرهنگ ایران را جدی‌تر بگیرند. به همین منظور من پروژه «سی» را آغاز کردم که در ابتدا همایون شجریان عزیز و حمید نعمت‌الله همراه ما بودند. پس‌ازاین پروژه به دلیل کرونا و شرایط ویژه‌ای که پیش آمد نتوانستیم در خدمت مخاطبان و همایون شجریان و برخی دیگر از دوستان باشیم، ازاین‌رو پروژه «سی‌صد» را آغاز کردیم که در این راه محمد رحمانیان به‌عنوان نویسنده پروژه همراه ما شد که امیدوارم موردتوجه مخاطبان قرار گیرد.

او در پاسخ به پرسشی مبنی بر نحوه همکاری خود با رضا بهرام به‌عنوان یک خواننده پاپ و خوانندگی خود در این پروژه توضیح داد: روال کاری من و برادرم در موسیقی تغییری نخواهد کرد و ما بر اساس شیوه پدرمان همان راه را ادامه می‌دهیم. در این پروژه رضا بهرام هم همراه این رویکرد بود و هست. او خواننده‌ای را در توانایی‌های بالاستند که شما در اجرای پروژه متوجه خواهید شد چه قابلیت‌هایی را ارائه خواهد داد. سهراب پورناظری درباره تر کیب بازیگران این پروژه نمایشی موسیقایی هم گفت: می‌خواستیم امروز حضور جناب جواد عزتی را اعلام کنیم. البته این احتمال وجود دارد که طی روزهای آینده تغییراتی را در ترکیب بازیگران داشته باشیم که به‌زودی اعلام می‌شود. به هر ترتیب کاری که ما در این پروژه انجام دادیم تلاش برای آشتی دادن مردم با موسیقی ایرانی بود. وقتی آلبوم «ته فرشته‌مان نه شیطان» منتشر شد، ناشر این آلبوم به من گفت خیلی از فروشگاه‌ها در حال تعطیلی بودند اما این اثر



باعث رونق موسیقی شد در حد خودش. پس وقتی این موضوع پیش می‌آید دیگر فرد و اشخاص مهم نیستند. مهم توجه به ایران است که باید روی آن تمرکز کرد. او افزود: من و برادرم به حساسیت مخاطبان واقفیم اما به‌هیچ‌وجه من را پوی اصولم نمی‌گذارم و همواره با یک چشم‌بنداز بلندمدت به موسیقی نگاه می‌کنم. وقتی سرزمینم هدف می‌شود بنابراین باید نهایت تلاشم را انجام دهم که به فرهنگ و هنر و ادبیات کلاسیک کشورم عشق بوزرم. من هر سال این پروژه را ادامه خواهم داد و فکر می‌کنم در جبهه جنگی هستم که کاری به خاکی شدن لباس رزم ندارم. در این پروژه جای همه هنرمندان گروه «سی» خالی است اما من تمام تلاشم را می‌کنم با همراهی این گروه بتوانیم در نییتی که داریم شرایط مؤثری را برای مخاطبان فراهم کنیم. از سوی دیگر بخشی از درآمد این کار در حفظ و احیای صنایع هنری ما هزینه می‌شود که در آینده نزدیک گزارش آن را به مردم ارائه می‌دهیم.

پورناظری ادامه داد: داستان این نمایش درباره حمله مغول به ایران عزیز است که در این شرایط ما گروه حرکت داریم که نقش‌های مختلفی را ایفا خواهند کرد. در این شرایط کاراکترهای مختلفی داریم که دوست دارم حین اجرای برنامه به آن بپردازم. تهمورس پورناظری دیگر آهنگساز پروژه موسیقایی نمایشی «سی صد» هم درباره عدم فعالیت‌هایشان با همایون شجریان در این پروژه گفت: همایون شجریان در همان ایامی که ما به‌صورت مشترک فعالیت می‌کردیم به‌صورت مجزا با پروژه‌های دیگری همکاری می‌کرد. به‌ر حال او مانند بسیاری از هنرمندان ما در عرصه موسیقی مایل به همکاری با دیگر هنرمندان بود و هست؛ بنابراین برای ما هم تجربه جذابی است که در این برنامه می‌توانیم در قالب متفاوت‌تری تجربه موسیقایی داشته باشیم. ما این بار هنرمندی دعوت کردیم که سابقه اجرایی او در حوزه موسیقی پاپ است که می‌تواند برای همان ایامی که ما به‌صورت مشترک فعالیت می‌شود خواننده‌ای در این حوزه همراه ما باشد. این پروژه برای ما آموزه‌ای است که اگر به نتیجه مطلوب برسد نویدی است که در تمام صحنه‌های ایران گدرد.خشد. او افزود: گروه اجرایی این پروژه این‌ام‌گذاری دارد که در جایی مانند ورزشگاه آزادی در یک اجرای ویژه و متفاوت پروژه سی صد را برای همه مخاطبان به‌صورت رایگان اجرا کنیم. البته این را هم بگویم که ما در نظر داریم پروژه سی صد را در دیگر شهرهای کشور اجرا کنیم.

یادداشتی بر رمان «بنویس حاتم، بخوان حته» نوشته هادی هیالی

روایت یک اعتراض

به‌صراحت خواسته‌ای علیه این قضاوت است. اما شخصیت حاتم در کجای تاریخ ما ایستاده است؟ حاتم از زاویه نگرشی می‌تواند یک قهرمان قلمداد شود و از زاویه‌ای دیگر یک ضدقهرمان است و همچنان خود قربانی اصلی این رمان به‌مثابه یک اثر حماسی تراژیک است. سرنوشت حاتم را می‌توان همچون بخش‌هایی از تاریخ نام برد که هرگز توسط مورخین و رسانه‌های رسمی ثبت نشده‌اند بلکه داستان آن‌ها بدون جزئیات فراوان، دهان‌به‌دهان نقل‌شده است و جایگاه آن در قلب کسانی است که با امثال حاتم هم‌داستان بوده‌اند. اینک در این اثر داستانی، شخصیت حاتم بازآفرینی می‌شود تا در میان فرازوفرد تاریخ معاصر ایران، یک جنبش مردمی و خاسته‌ها و جلال‌هایش نیز ثبت گردد. سرگذشت حاتم در کنار هدف اصلی اثر، که بازگو کردن محرومیت‌ها و نیازهای مردمی و ریشه‌های علل وقوع آن‌هاست، مسئله حائز اهمیت‌ی در تحلیل‌های جامعه‌شناختی است که به علت عدم امکان دستیابی به منابع مطالعاتی در این مقوله و مستند نبودن رویدادها، اهمیت چنین کتابی را هر چند که در رسته داستانی است، دوچندان می‌کند.

رمان از نظر ادبی نسبت به آثار پیشین نویسنده موفق‌تر است، چراکه نویسنده در قصه‌گویی توانسته به یک تکنیک ساختاری مشخص برسد. داستان ابتدا با دیدار حاتم و پسرعمویش آغاز می‌شود و با خاطره گویی، از گذشته‌ی اتفاق افتاده، پرده‌برداری می‌شود، داستان به زمان حال و دیدار حاتم با پسرعمویش بازمی‌گردد و پس‌ازآن ادامه ماجرا شکل می‌گیرد. یک ساختار ساده اما هوشمندانه که نویسنده برای قصه خود انتخاب کرده است. استفاده از این ساختار زمانی در ایجاد ارتباط میان مخاطب در ابتدا و میانه داستان بسیار مؤثر است. از نظر فرم زبانی کتاب بسیار روان است و با ژانر تاریخی سیاسی که رمان دارد، منطبق است.

دایره واژگان استفاده‌شده در این اثر از پتانسیل کتاب پایین‌تر است؛ استفاده از واژگان بومی و منطقه‌ای می‌توانست برگردان زبانی‌ای که در گفتگوها شده است و از جبران کند چراکه شخصیت‌های اصلی در بخش‌های بسیاری از کتاب به زبان عربی صحبت می‌کنند اما کتاب به زبان پارسی نوشته‌شده است. استفاده از کلمه‌های خاص محلی هر چند که به‌ظاهر مخاطب را به‌دقت و شاید زحمت بیندازد اما به سبب واداشتن وی به تلاش برای یافتن مفاهیم و مترادف‌ها، در نهایت به قابلیت‌ها و جذابیت‌های متنی می‌افزاید.

در پرداخت جزئیات داستانی رمان «بنویس حاتم، بخوان حته» نیاز به بازنویسی و نگارش دوباره در بخش‌هایی از متن دارد. به نظر می‌رسد داستان در بزنگاه‌های روایی خود از توصیف‌های مکانی و شرح رفتاری شخصیت‌هایش با عجله گذشته است. به‌طور مثال ابتدای فصل یازدهم، بلافاصله بعد از بازداشت حمود (پسرعمو) به‌یکباره حاتم را در زنجیر نیروهای عراقی می‌بینیم، بدون آنکه پلی در داستان به آن رده‌شده باشد و مخاطب پس از چند پاراگراف سرگردانی بی‌دلی درمی‌یابد که موضوع از چه قرار است. این گسست‌های داستانی را باید در کتاب پُر کرد مگر آن‌که از بودن آن‌ها هدفی را دنبال کرد که به نظر نمی‌رسد در این اثر چنین

با مثلاً هنر را برقرار کنی؟ به نظر می‌آمد که او از این پرسش چندان خوشحال نشد و در پاسخ به پرسش من این‌طور سخن گفت: اینجا ما درباره موسیقی کنار هم جمع شده‌ایم و می‌خواهیم درباره این پروژه صحبت کنیم. اینکه من در زندگی شخصی خودم چه‌کار‌هایی انجام می‌دهم خیلی مربوط به این جلسه‌ای که الان در آن هستیم، نیست. عرصه پوشاک فضایی بود که من برای فعال شدن اعضای خانواده‌ام که به کار نیاز داشتند، واردش شدم. خیلی هم دلیلی نمی‌بینم که بخوام درباره کار‌هایم در زندگی شخصی خودم توضیح بدهم.

او البته در بخش دیگری از سخنانش هم گفت: اگر پرسشی درباره این پروژه از من دارید با افتخار در خدمتتان هستم. من هم پاسخ دادم که فقط برای طرح این سؤال به سعدآباد آمده بودم و هیچ سؤال دیگری درباره حضور شما در این پروژه ندارم.

امروز یکی از جوانان یک‌شبه از راه‌رسیده با صفحه چندمیلیونی در اینستاگرام به‌عنوان خواننده پروژه **#سی‌صد** _سهراب_ پورناظری معرفی شده و از چند روز پیش‌تر هم آقای آهنگساز یکی از بخش‌های کار را بر مزار شیخ اجل اجرا کرده که من در عجم آه‌ماگه شاعر همشهری بنده، چطور بعد از پایان کار فروزن‌پخته است. البته این نشان از استحکام بنا دارد؛ برخلاف ساختمان نوساز متروپل که ماه‌ها عزا و شرمساری‌مان شد.

سهراب پورناظری را آهنگسازی توانمند می‌دانم و در میان نسل جوان معتمد کسنانی نظیر او ضربان نامنظم قلب موسیقی ایرانی را همچنان واداشته‌اند به تالپ و تولوپ. اما انتخاب رضا بهرام با توانایی صوتی غیرقابل مقایسه با

همایون شجریان (به وجود همه اختلافاتی که بین او و پورناظری می‌تواند وجود داشته باشد) برای کاری جدیدتر و به گفته تهیه‌کننده مافیایی این پروژه بزرگ‌تر، ضربه محکمی به

اعتبار پورناظری خواهد زد.

در نشست این پروژه یکی از روزنامه‌نگارانی بودم که دعوت‌م کردند برای پرسش؛ هر چند دوستی که مسئول دعوت از اهالی رسانه بود از پرسش من ناراحت شد اما سؤال‌ام از رضا بهرام واضح بود؛ تو که تا دیروز هم باوجودآنکه تهیه‌کننده بی‌ادب؛ حسین پورتونچیان امور اقتصادی‌اش را پیش می‌برد تا روی کار مثلاً هنرات متراکز داشته باشی، کار‌های مهمی در موسیقی این مملکت انجام ندادی، امروز چطور باوجودآنکه وارد بازار پوشاک شده‌ای و برای خوش‌آمد صاحب فروشگاه اینترنتی پوشاک ایران در افتتاحیه باشگاه لاکچری‌اش هم خوب فعال بوده‌ای و شأن خودت را بیش‌ازپیش پایین و پایین‌تر آورده‌ای، بااین‌همه مشغله هنر کش می‌خواهی بین مثلاً هنر که چندان بهره‌ای هم از آن نبرده‌ای (چون در سراسر نشست فقط از آمار فروش و تعداد صندلی‌های فروخته‌شده در کنسرت‌هایت برای اثبات موفق بودن حرف می‌زدی) و فعالیت‌های اقتصادی تعادل برقرار کنی و در یک کلام در ادامه سیریت گند نرنی؟ این کلام از نظر عوام که طرفداران سینه‌چاک یک خواننده معمولی هستند، شاید سخن بی‌ارتباطی به نظر برسد اما برای آنان که جامعه‌شناسی می‌دانند، از علوم اجتماعی آگاه‌اند و به هنر و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه هر اثری توجه دارند، مهم و مرتبط است؛ البته که بسیاری از اهالی گروه دوم اساساً چنین جریانی را به‌حساب نمی‌آورند که به باور من آن‌هم درست نیست؛ ما که گروهی آدم‌های سطحی مواجیم که در پیشبرد اهداف گروهی دلال، کارچاق‌کن، رانتیر و بی‌هنر تأثیرگذاری زیادی دارند.



اتفاقی رخ‌دهد باشد یا تلاشی برای آن صورت گرفته باشد. به همین دلیل وقوع آن را تنها به پرداخت ویراسته نشده متن، می‌توان نسبت داد. چندین نمونه دیگر نیز در کتاب قابل مشاهده است که نشان می‌دهد در بخش روایی ظرافت‌های بیانی لازم در القای معانی دیده نمی‌شود، نویسنده مستقیم داستانش را نقل کرده است اگرچه این انتخاب را اگر مرتبط با ژانر داستانی و عامیانه بودن شخصیت اصلی قصه‌اش بدانیم قابل‌درک است اما با توجه به سوم شخص بودن روی، اگر نویسنده از زبان قوی‌تر و لایه‌مندتر بهره می‌جست به او کمک می‌کرد تا داستان خود را در ذهن قوی‌تری سیال‌تر تعریف کند چراکه این‌گونه ذهن بیشتر در گیر متن می‌شود و می‌تواند با کتاب ارتباط ادراکی برقرار کند، همچنین به خود نویسنده نیز این امکان را می‌دهد تا بتواند مانع از اختلال‌های روایی باشد که در این اثر دیده می‌شود. به‌طور مثال پدر و پسر خیانت‌کار را مدنظر قرار دهید. عدم پرداخت ظریف این دو شخصیت و بیان آشکار شکی که به آن‌هاست گویای خیانتی است که در انتها رخ خواهد داد و تنها چگونگی رخ دادن آن است که در ادامه خواننده می‌شود. می‌بینیم که به چه راحتی نویسنده از یک جذابیت روایی که می‌توانست ذهن خواننده را درگیر خود کند صرف‌نظر می‌کند تا به بتواند داستانش را صریح‌تر بیان کند. در حالی‌که پرداخت طرف این دو شخصیت در داستان که برای مثال آورده شد نه‌تنها از استحکام بیان داستان نمی‌کاست بلکه آن را تأثیر‌گذارتر می‌نماید. رمان «بنویس حاتم، بخوان حته» همان‌طور که گفته شد رمانی با اهمیت است چرا که ثبت‌کننده بخشی از تاریخ است که شناختن آن در حوزه جامعه‌شناسی معاصر بسیار با اهمیت جلوه می‌کند و متأسفانه ثبت رسمی تاریخی قابل استنادی نیز ندارد. به همین دلیل چنین کتابی به جامعه ما کمک می‌کند تا به‌صورت مردمی با جنبشی آشنا شود که ریشه در تفکرات ایدئولوژیک و مکتبی ندارد بلکه صرفاً برخاسته از کشت‌ها و واکنش‌های لایه‌های درونی توده ظلم دیده جامعه است، آن‌هم در بخش و منطقه‌ای از کشور که کمتر مجال دیده شدن و خوانده شدن داشته است.

رویداد

حمیدرضا نوربخش؛ سرپرست «خانه هنرمندان ایران»

گزینه‌های مختلفی برای مدیریت این خانه داریم

همدلی سرپرست خانه هنرمندان ایران در حاشیه افتتاح نمایشگاه «حظله» پیرامون انتخاب مدیرعامل جدید این مجموعه فرهنگی هنری توضیحاتی را ارائه داد. حمیدرضا نوربخش در حاشیه افتتاح نمایشگاه «حظله» شامل مجموعه عکس‌های علی کاوه از امام خمینی (ره)، درباره انتخاب مدیرعامل جدید خانه هنرمندان ایران گفت: هیچ‌وقت در فکر مدیریت خانه هنرمندان ایران نبوده‌ام و اصلاً امکانش را هم ندارم، چون مسئولیت خانه موسیقی را نیز بر عهده دارم. گزینه‌های زیادی برای مدیرعاملی مطرح هستند که هنوز حضورشان قطعی نشده است. نوربخش در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره برنامه‌های خانه هنرمندان ایران در مدت سرپرستی‌اش در این مجموعه توضیح داد: خانه هنرمندان ایران همیشه برنامه‌های معمول خود را دارد؛ به‌طوری‌که این برنامه‌ها هیچ‌وقت تعطیل نشده‌اند، تنها در دوران بیک کرونا گاهی اوقات این برنامه‌ها به‌طور موقت تعطیل می‌شد که واقعاً امکان باز بودن خانه فراهم نبود. به‌جز این ایام، خانه هنرمندان همیشه فعال بوده است، بااین‌حال بعد از پذیرفته شدن استعفا‌ی آقای رجیب‌عمر، شورای عالی تصمیم گرفت من سرپرستی این خانه را به عهده بگیرم و امیدوارم به‌زودی مدیرعامل جدید انتخاب شود. مدیرعامل خانه موسیقی در پاسخ به این سؤال که آیا امکان دارد خود او مدیرعامل خانه هنرمندان شود مطرح کرد: من که اصلاً امکانش را هم ندارم چون مسئولیت خانه موسیقی را نیز بر عهده دارم. اساساً هیچ‌وقت هم جزو گزینه‌های مطرح‌شده نبوده‌ام؛ بنابراین امکان حضور من به‌عنوان مدیرعامل در اینجا منتفی است. بر عهده گرفتن مسئولیت اینجا یک نگاه موقت بوده، البته نگاه شورای عالی هم چنین بوده است، آن‌ها در نظر داشتند در این مدت کسی نباید که کار‌های معمول خانه هنرمندان متوقف نشود و استمرار داشته باشد، این فرآیندی است که در همه دوره‌ها وجود داشته است. نوربخش توضیح داد: گزینه‌های مختلفی هم برای مدیریت خانه هنرمندان وجود دارد که البته هنوز حضورشان قطعی نشده است. امیدوارم هرچه زودتر بتواند در این‌باره به جمع‌بندی برسد. هرچه خانه هنرمندان بتواند بیشتر نظم خود را حفظ کند و فعالیت‌های خود با استحکام بیشتری پیش ببرد، بهتر است. تلاش همه دوسان در ششورای عالی بر این است که هرچه زودتر مدیرعامل جدید خانه هنرمندان ایران انتخاب شود. نوربخش بیان کرد: سرپرستی خانه هنرمندان ایران برای من مسئولیت ضاعفی است. من همیشه از سالیان دور در این خانه بودم؛ با به‌عنوان عضو شورا و با به‌عنوان مشاور. طبیعتاً همیشه علاقه و تعصب خاصی روی خانه هنرمندان داشته و دارم. در حال حاضر هم در این مسئولیت موقت با اشتیاق فعالیت‌هایش را پیگیری می‌کنم. به هر صورت این مقطعی است که باید انتخاب نهایی صورت بگیرد، امیدوارم یک مدیر خوب در خانه هنرمندان ایران مستقر شود و ما هم به‌عنوان اعضای شورای عالی مددکار او خواهیم بود. او

با بیسان اینکه دوره آقای رجیب‌عمر دوره خوب و پربرای بود، مطرح کرد. امیدواریم این فعالیت‌ها سرعت بگیرد و گسترش پیدا کند، دوره آتی حتما دوره بهتری خواهد بود. سرپرست خانه هنرمندان ایران درباره برگزاری نمایشگاه عکس «حظله» که از ۱۳خرداد در گلری تالستان این مجموعه دایر شده‌است، بیان کرد: ما پیشنهادهای مختلفی برای اجرای یک رویداد هنری هم‌زمان با سالگرد رحلت امام داشتیم که تصمیم گرفتیم نمایشگاه عکس «حظله» را برگزار کنیم. این نمایشگاه شامل عکس‌های علی کاوه از پیشکسوتان حوزه عکاسی است که عکس‌های خاص و تاریخی ویژه زیادی دارد. البته باید عنوان کنم که کار سختی بود تا در این فرصت کم چنین نمایشگاهی را برگزار کنیم اما با یک کار شبانه‌روزی سخت سرانجام آن را به نتیجه رساندیم. او با بیان اینکه عکس‌های این نمایشگاه عکس‌های ویژه‌ای هستند، عنوان کرد: علی کاوه در مقاطع مختلف عکس‌های مختلفی از امام خمینی (ره) گرفته که مشهورترین آن همان عکسی است که روی اسکناس ۱۰ هزار ریالی نقش بسته است.

خوشبختانه این نمایشگاه برپا شد و امیدوارم موردتوجه مخاطبان قرار بگیرد. نوربخش بیان کرد: علی کاوه نگاه خاصی بر مقاطع مختلف زندگی امام خمینی (ره) داشته است؛ به‌نحوی‌که احوال‌ت مختلف ایشان را در این عکس‌ها می‌بینیم. در واقع مقاطع تاریخی مختلف به همراه نگاه هنرمندانه او در این عکس‌ها هویداست.

((گویی قانون تعیین تکلیف وضعبت اراضی وساختمانه‌ای فاقدسند رسمی))
نظر به دستور مواد ۳۱ و ۳۲ قانون تعیین تکلیف وضعبت اراضی و ساختمانه‌ای فاقد سند رسمی مصوبه ۱۳۹۰/۹/۱۳۹۰ و برابر رای شماره ۱۳۰۰۰۶۷۲/۳۱۰۰۱۳۰۰۰۳۱۰۰۱۶/۱۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یك قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بااعراض متقاضی آقای خانم بهروز کلانی ـ فرزندی ولی اله نسبت به ششدانگ يك قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۵/۳۳ مترمربع که مقدار ۳۲ سیر مشاع عرصه وقف می باشد به شماره پلاک ۱۴۴ فرعی از ۱۳ اصلي واقع در قریه مرزنده بخش ۱۱ خریداری شده از آقای خانم رقیه مصطفی زاده مالک رسمی معرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعبت ثبتی اراضی و ساختمانه‌ای فاقد سند رسمی و ماده۱۳ همان نامه مربوطه این اکپی در دو نوبت به فاصله۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین اکپی و ثبت محل وقوع ملک الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل و تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شنشله اکپی ۱۳۲۰۰۲۵۶

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ و تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

۲۱۶ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان ـ عین الله تموری